



مصنفک بسطامی

سیدهادی میرآقایی

شیخ علی بن مجدالدین بن محمد بن مسعود بن محمد بن محمد بن عمر بسطامی مشهور به مصنفک در سال ۸۰۳ ه. ق در بسطام به دنیا آمد. چون در نوجوانی شروع به تالیف کرد به لقب مصنفک مشهور شد.

وی یکی از نوادگان امام فخر رازی است که شجره نامه او بدین شرح است: اما فخر رازی (متوفی ۶۰۶) فرزندی به نام محمد داشت که با دختر طیب ری ازدواج کرد و ثروت زیادی به وی رسید که همان ثروت زندگی فخرالدین رازی را رونق داد و به شهاب الدین غوری هم قرض داد. (۱) امام فخرالدین، محمد را بسیار دوست داشت و برخی تالیفات خود را به نام او نوشته است.

محمد در جوانی فوت کرد و مرگ او باعث آشفته‌گی روحی فخرالدین رازی شد. وی در قسمت‌های مختلف تفسیر کبیر از فرزند خود نام می‌برد و از دوستان و کسانی که تفسیر را می‌خوانند تقاضای کند که محمد را یاد کنند و در آخر تفسیر سوره‌های یونس، رعد، یوسف و در متن تفسیر سوره‌های هود، و انفال در فراق فرزندش نالیده است. (۲)

علت این که فخرالدین محمد را دوست داشت این بود که از ناصیه پسرش بارقه علم نمودار بود و امام در این فکر بود که فرزندی در شهر هرات پرورش دهد که مانند خود، عالم و دانشمند باشد و آثار علمی او را حفظ کند.

از محمد فرزندی به یادگار ماند که او نیز محمد نامیده شد. اندک اندک دانش آموخت و مانند پدر

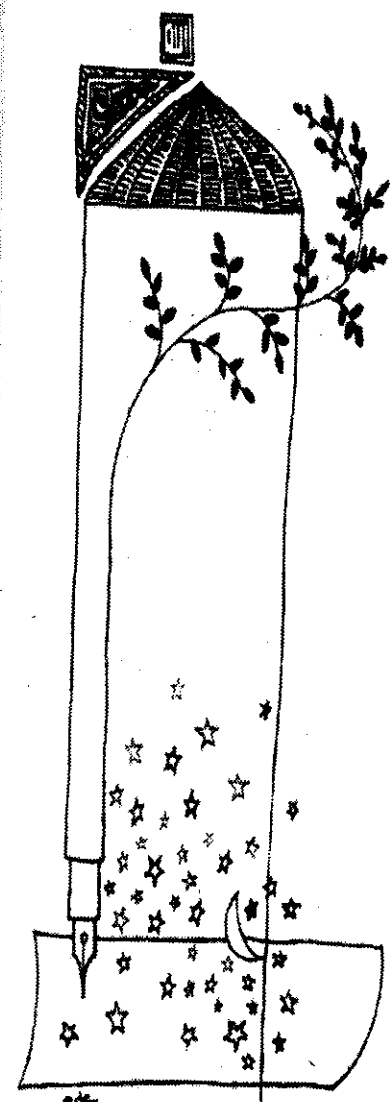
دانشمند شد. محمد فرزندی به نام محمود داشت که در هرات درس خواند و به حجاز سفر کرد و سپس به بسطام آمد. مردم این دیار به او عزت و احترام گذاشتند زیرا سیمای او به مانند سیمای فخرالدین رازی بود. وی با مطالعه در کتب و تتبع در پژوهش گذشتگان، شهرت علمی‌ای کسب کرد. او فرزندی به نام مسعود داشت که با وجود تحصیل علم و کوشش زیاد اما به مرتبه علمی پدرش نرسید و به وعظ و سخنرانی پرداخت و در همان بسطام ماند و به شهر دیگری مهاجرت نکرد. فرزندی از او به نام محمد به یادگار ماند و نیز علوم متداول عصر خود را فرا گرفت ولی شهرت علمی پیدا نکرد. فرزند او نیز مجدالدین محمد پس از کسب علوم دانشمندی مشهور شد که امام و پیشوای مردم گردید. فرزند او به نام علی مشهور به مولانا مصنفک پس از تحصیل دانش، شهرت عالمگیری پیدا کرد. وی در نه سالگی در سال ۸۱۲ با برادرش به هرات رفت و در محضر دانشمندان حاضر شد و به کسب دانش مشغول شد. (۳)

نویسنده «مفتاح السعاده» در مورد استادان وی نوشته است: وی «مصنفک» در کتاب «تحفه محمدیه» از استادان خود بدین گونه نام می‌برد: استاد اول من مولانا جلال الدین یوسف او بهی است که یگانه روزگار بود و از بزرگترین علمای خراسان، عراق و ماوراءالنهر بود و در دانش عربی بخصوص در حل و تفسیر کشاف و المفتاح و از نظر ذوق و تزیینی زبانزد خاص و عام بود. او یکی از شاگردان برجسته مولانا سعدالدین تفتازانی بود. (۴) که اجازه

داشت در تالیفات او دخل و تصرف کند و استاد دیگر علامه فاضل، قطب دین و ملت احمد بن محمد بن محمود امامی هروی بود و استادان خود را در فقه شافعی و حنفی این گونه معرفی می‌کند: عبدالعزیز بن احمد بن عبدالعزیز ابهری که فاضل کامل بود و آفاق در زمان حیاتش به نور فتوای او روشن بود و دانشمندان از نور فتوای او استفاده می‌کردند من کتاب «الحاوی» را نزد او خواندم و او برای من اجازه تدریس و فتوا نوشت و فقه حنفی را از قدوة العلماء محمد بن محمد «فصیح الدین بن محمد» که نشانه آشکاری در فتوا و تقوا بود آموختم. (۵)

مصنفک در سی و هشت سالگی از هرات به شهرهای مختلف سفر کرد از جمله به بسطام رفت و مدتی در مدرسه شاهرخیه (۶) این شهر به تدریس مشغول شد و برخی کتب خود را در این مدرسه نوشت. سپس به قونیه رفت دانش و وجاهت علمی او باعث شد محمود پاشا وزیر سلطان محمد خان او را به سلطان معرفی کند.

شاه قسطنطنیه بر تجلیل او افزود و روزی هشتاد درهم برای او مقرر تعیین کرد (۷). تذکره نویسان درباره دقت علمی و احاطه او بر علوم، نوشته‌اند: مصنفک با هر کسی که بحث و مباحثه می‌کرد او را مجاب می‌کرد و منطق قوی‌ای داشت. بسیار و با سرعت کتابت می‌کرد و حتی اشکالاتی را که طلبه‌ها در هنگام تدریس داشتند فکر می‌کرد اگر زبانی بگوید از ذهن آنان زایل گردد. آن را با سرعت عجیبی می‌نوشت و به آنها می‌داد. یا حل اشکال را قرائت می‌کرد. او در مدرسه قونیه تدریس می‌کرد، عیابی



□ جرجی زیدان در شرح حال
مصنفک نوشته است: «شیخ علی
بسطامی در آثار شیخ شهاب الدین
سهروردی نظر داشت. مختصر
سهروردی را شرح و تفضیل کرد و
در علم باطن و تصوف و مراتب
سیر و سلوک اولیا از قبیل سحر و
تجلی قلبی و قوف کامل داشته
است. نسخه خطی ای از او در
کتابخانه خدیویه مصر در ۳۲۴
صفحه موجود است.

می پوشید و تاجی بر سر می گذاشت و به دربار وزیر
محمود پاشا رفت و آمد می کرد. (۸)
مصنفک در ارشاد، نظر و عقیده مخصوص داشت
از بعضی خلفای زین الدین حافی اجازه ارشاد داشته
است. وی را می توان از شگفتی های روزگار دانست
زیرا در تصوف و عرفان و سیر و سلوک دست داشت
و به تعبیر دیگر، در علم قال و حال، مهارت داشت.
جرجی زیدان در شرح حال مصنفک نوشته است:
«شیخ علی بسطامی در آثار شیخ شهاب الدین
سهروردی نظر داشت. مختصر سهروردی را شرح
و تفضیل کرد و در علم باطن و تصوف و مراتب سیر
و سلوک اولیا از قبیل سحر و تجلی قلبی و قوف کامل
داشته است. نسخه خطی ای از او در کتابخانه خدیویه
مصر در ۳۲۴ صفحه موجود است. (۹)

مصنفک در تحفه محمودیه از مکارم جد بزرگوار
خود امام فخر رازی به نیکی یاد می کند و نوشته
است: امام فخر رازی نامه ای به سلطان محمد
خوارزمشاه (متوفی ۶۱۸) نوشت، بدین مضمون:
حاجت خود را در مقام برخی نیکوکاران به خدا
بردم، اگر روا دارد بخشنده اوست و تو مشکور و
اگر رد کنی او رد کرده است و تو معذور خواهی
بود. (۱۰)

مصنفک در اواخر عمر، کر شده بود خود در این
مورد نوشته است: من با یکی از مشایخ بلاد عجم
بحث کردم و با شدت با او حرف زدم. شیخ از من
رنجید و گفت تو اسائنات ادب کردی و خدا تو را کر
کند و از تو فرزندی نماند. به من کری و گران گویی
رو آورد و دو دختر بیش نداشتم. (۱۱) تذکره نویسان

داستانی در مورد کری مصنفک نقل کرده اند:
وقتی [مصنفک] در مجلس محمود پاشا وارد شد،
در آن جا حسن چلبی فناری حاضر بود. حسن چلبی
از محامد و محاسن و تالیفات مصنفک به وزیر
محمود پاشا صحبت می کرد و محمود پاشا در باره
حرف های حسن چلبی تردید داشت. حسن چلبی
مصنفک را ندید و چهره او را از نزدیک ندیده بود.
محمود پاشا رو به حسن چلبی کرد و گفت آیا
مصنفک را دیده ای؟ حسن گفت: خیر محمود پاشا،
اشاره به مصنفک کرد و گفت همین مصنفک است.
حسن چلبی خجالت کشید محمود پاشا گفت: شرم
نکن. زیرا مولانا مصنفک کراست و حرف های من
و تو را نشنیده است. (۱۲)

مصنفک در سال ۸۷۵ در قسطنطنیه چشم از جهان
فرو بست و در جوار تربت ابی ایوب انصاری به
خاک سپرده شد.

آثار و تالیفات مصنفک

- ۱- شرح «الارشاد الهادی» تفتازانی که در نحو
نوشته است، در بیست یا بیست و سه سالگی (۱۳).
- ۲- شرح «المصباح» موضوع کتاب نحو است و
مصنفک در بیست و پنج سالگی نوشته است.
- ۳- شرح «آداب البحت» مسعود شروانی در
بیست و شش سالگی.
- ۴- شرح «اللباب» علامه تاج الدین محمد
اسفراینی (متوفی ۶۸۴) در نحو در بیست و هشت
سالگی.
- ۵- شرح «مطول» تفتازانی در سی و دو سالگی.
- ۶- شرح «المفتاح» تفتازانی در سی و چهار
سالگی.
- ۷- حاشیه بر «التلویح» تفتازانی در سی و پنج
سالگی.
- ۸- شرح قصیده برده در سی و پنج سالگی. (۱۴)
مصنفک در تاریخ هجدهم رمضان سال ۸۳۶ آن
را در مدرسه شاهرخیه بسطام به پایان رسانده
است. (۱۵)
- ۹- شرح قصیده روحیه ابن سینا در ۳۵ سالگی.
این قصیده با مطلع زیر شروع می شود:
هَبَّتْ الْيَكُ مِنَ الْمَحَلِّ الْأَرْفَعِ
و رِقَاءُ ذَاتِ تَعَزُّزٍ وَ تَمَنَعِ
وی شرح این قصیده را نیز در سوم صفر سال
۸۳۷ در مدرسه شاهرخیه بسطام به پایان رسانده
است. (۱۶)
- ۱۰- شرح «وقایة الروایة فی مسایل الهدایة» که
برهان الشریعه محمود فرزند صدر الشریعه اول از
علمای سده هفتم در فروع فقه حنفی برای عبیدالله
بن مسعود (متوفی ۷۴۵) نوشته است و مصنفک این
شرح را در سال ۸۳۴ در بسطام نوشت و در ادرنه
ترکیه پاکتویس کرد. (۱۷)
- ۱۱- شرح «المصایب» نویسنده کتاب المصایب

«بغوی» است که کتابش را در علم حدیث نوشته است و مصنفک در ۴۸ سالگی کتاب مذکور را شرح کرد.

۱۲- شرح «المفتاح» شریفی در ۴۸ سالگی.
۱۳- حاشیه بر «شرح المطالع» در ۴۸ سالگی.
۱۴- شرح برخی از «اصول» فخر الاسلام بزودی در ۴۸ سالگی.

۱۵- شرح «الکشاف» زمخشری در ۵۹ سالگی.
۱۶- انوار الاحدق، این تألیف برعکس آثاری که تاکنون از وی ذکر شده به زبان عربی نیست بلکه به زبان فارسی و برای وزیر محمود پاشا نوشته است.
۱۷- حدایق الایمان لاهل الیقین و العرفان، این کتاب نیز به زبان فارسی و در سال ۸۳۴ یا ۸۴۱ در هرات در پنج باب نوشته شده است.

۱۸- تحفه محمودیه، مصنفک این کتاب را که موضوع آن «نصیحت وزرا» است در جمادی الاولی سال ۸۶۱ در ده باب به زبان فارسی تألیف کرد و از کبر سن عذرخواهی کرد و آن را به امر وزیر محمود پاشا نوشت. (۱۸)

۱۹- تفسیر محمدیه، مؤلف در سن شصت و یک سالگی به دلیل کبر سن تصمیم گرفت تألیف و تصنیف کتاب را کنار بگذارد ولی به عزم خود را سرنگ نماند به دستور سلطان محمد، فاتح قسطنطنیه تفسیری نوشت و آن را به «محمدیه» موسوم کرد. مؤلف در این تفسیر نوشته است که من عزم کردم اثری به زبان فارسی تألیف نکنم اما به دستور سلطان محمد عمل کردم المامور المعذور، در سال ۸۶۳ در آورنه ترکیه تألیف این تفسیر را به پایان رساند. (۱۹)
طاش کبری زاده که دو جلد این تفسیر را دیده، نوشته است: ما دو جلد آن را دیدیم که جلد اول آن مخصوص سوره فاتحه است و جلد دیگر آن از سورن نبأ تا آخر قرآن است. (۲۰)

دکتر توفیق سبحانی که نسخ خطی دو کتابخانه ترکیه را فهرست کرده این تفسیر را دیده و نوشته است: این تفسیر در چندین مجلد نوشته شده و در کتابخانه «مراد ملا»ی ترکیه نگهداری می شود. (۲۱)
۲۰- شرح «شمسیه»ی نجم الدین دبیران که به دستور سلطان محمد و به زبان فارسی نوشته است. (۲۲)

۲۱- حل الرموز و مفاتیح الکنوز، مؤلف این اثر را در اخلاق و تصوف در سال ۸۶۶ به امر سلطان محمد فاتح نوشت.

۲۲- شرح «وصیت الامام ابی حنیفه».
۲۳- الوصول الی علم الاصول.
۲۴- الاحکام و الحدود در فقه.
۲۵- شرح بر «المفتاح العلوم» سکاکی (متوفی ۶۲۶) مصنفک این شرح را در سال ۸۳۰ در هرات شروع کرد و در سال ۸۳۲ در بسطام به پایان رساند. (۲۳)

۲۶- تحفه السلاطین، به زبان فارسی و در ده باب نوشته است که موضوع آن اخلاق و نصایح است.
۲۷- ملتقی البحرین، تفسیری است که علاوه بر تفسیر آیات، قواعد نحو را با تحقیقات عمیق بیان کرده است.

۲۸- مختصر «المنتظم» ابن جوزی، مؤلف در مورد این تألیف نوشته است: «در سال ۸۷۰ ه. ق. در ادرنه کتاب «المنتظم» ابن جوزی را خواندم و آن را کتابی دیدم حاوی نکات تاریخی و وافی به مسایل اجتماعی و حوادث ایام، متنها در آن مسایل عدیده غیر لازم بسیار بود و خواننده را به تعجب می انداخت. بر آن شدم که آن کتاب را، مختصر سازم و حشو و زاید آن را حذف کنم نتیجه کارم این کتاب شد.»

مؤلف در این اثر از پیدایش عالم، آغاز سخن می کند و پس از ذکر انبیاء بنی اسرائیل به عرب جاهلی می رسد و پس از شرح زندگی پیامبر تا به ازدواج عایشه می رسد.

این نسخه در کتابخانه ملی تهران نگهداری می شود. (۲۴)

۲۹- شرح «الهدایه» مرغینانی (متوفی ۵۹۳) در فروع.

۳۰- شرح «المواقف» در کلام.
۳۱- شرح «المراح فی التصریف».
۳۲- شرح «المصباح» مطرزی در نحو.
۳۳- شرح «مطالع الانوار» در منطق و حکمت.
۳۴- رفع الجناح و حفص الجناح فی اربعین حدیثا در باب نکاح.

۳۵- شرح «مثنوی معنوی» مصنفک ابیاتی از مثنوی معنوی را انتخاب کرده و شرح کرده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پایه بی نوشت: ۵۵۵

پایه بی نوشت: ۵۵۵

۱- طبقات الاطباء به نقل از شرح حال و زندگی امام فخرالدین رازی، نجیب مایل هروی، ص ۴۱.

۲- همان، ص ۴۲.

۳- مفتاح السعاده، احمدین مصطفی مشهور به طاش کبری زاده، نشر العربی، قاهره ۱۹۹۳، جلد اول، ص ۱۷۴.

۴- نویسنده کتاب «سیمای استان سمنان» در شرح حال مصنفک از قول حاجی خلیفه نوشته است:

در کشف الظنون آمده است که وی [مصنفک] از جمله شاگردان سعدالدین تفتازانی بوده است. ر. ک. ص ۴۵۲

که درست نیست زیرا تفتازانی در سال ۷۹۷ فوت کرده است و هنوز مصنفک به دنیا نیامده بوده است.

۵- مفتاح السعاده، جلد اول، ص ۱۷۷.

۶- در طرف جنوب شرقی مسجد سلجوقی (واقع در مجموعه امام زاده بسطام)، بنای آجری دو طبقه وسیعی واقع است که شاهرخ تیموری آن را به عنوان مدرسه ساخته و به مدرسه شاهرخیه مشهور است. آیت الله میر مطلب بسطامی و حجت الاسلام شیخ عبدالرسول حسنی از مدرسان مشهور معاصر مدرسه اند. ر. ک. ستاره ای بر کرانه خاک، میرآقایی، ص ۹۶.

۷- البدر الطالع، قاضی علامه شوکانی، دارالمعرفه بیروت، ج اول ص ۴۹۷.

۸- شرح حال فخرالدین رازی، ص ۴۵.

۹- تاریخ آداب اللغة و العربیه، جرجی زیدان، چاپ الهلال، مصر ۱۹۱۳؛ جلد ۳، ص ۲۳۸.

۱۰- مفتاح السعاده، جلد دوم، ص ۱۰۶.

۱۱- شرح حال فخر رازی، ص ۲۵.

۱۲- همان، ص ۴۶.

۱۳- در البدر الطالع سال ۸۲۳ آمده است: جلد اول، ص ۴۹۷ و در کشف الظنون جلد اول، ص ۶۸ نیز سال ۸۲۳ درج شده است.

۱۴- شرف الدین ابو عبدالله بو صیری شاعر قصیده مذکور (متوفی ۶۹۴) است. نام کامل قصیده «الکواکب الدرریه فی مدح خیر البریه» است که از قصاید معروفی است که در مدح پیامبر سروده شده است و مردم آن را برای تبریک و شفا از بیماری ها و پیشاپیش جنازه ها می خواندند و مانند یک دعای مقدس به شمار می رفته است.

۱۵- فهرست کتابخانه اهدایی مشکوره، جلد دوم، ص ۷۱۷.

۱۶- کشف الظنون، حاجی خلیفه، دارالکتب العلمیه، بیروت، جلد ۶، ستون ۱۵۴۴.

۱۷- فهرست کتابخانه مجلس، جلد ۹، بخش دوم، ص ۱۳۲۷.

۱۸- کشف الظنون، جلد اول، ستون ۳۷۳.

۱۹- همان، ستون ۴۵۸.

۲۰- مفتاح السعاده، جلد اول، ص ۱۷۶.

۲۱- فهرست نسخه های خطی فارسی کتابخانه های ترکیه، دکتر توفیق سبحانی، ص ۵۳۱.

۲۲- مفتاح السعاده، جلد اول، ص ۱۷۶؛ تاریخ ادبیات ایران، جلد ۴، دکتر ذبیح الله صفا، ص ۱۰۱.

۲۳- تاریخ ادبیات ایران، جلد ۴، ص ۱۱۷.

۲۴- فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی، جلد ۷، ص ۱۴۳.

یادآور می شود: اسامی تألیفات مصنفک از کتب: کشف الظنون، مفتاح السعاده، هدایة المعارفین استخراج شده است. سال تألیف کتب در منابع فوق متفاوت است.

(است)